

کارگروه پژوهشی ایرانبان کرد

اسماعیل شمس و سرپوش گذاشتن بر نقش کردها

در نسل کشی ارمنیان



اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

t.me/Iranban_kord

هیچ ملاحظه‌ئی بالاتر از ایران نیست.
مبارزه با پانکریسم، ستیز با کُرد نیست؛ بلکه عین کرد بودن است.

عنوان: اسماعیل شمس و سرپوش گذاشتن بر نقش کردها در نسل‌کشی ارمنه
نویسنده: ایرانبان کرد | تاریخ نشر: اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ | جای نشر: [کانال تلگرامی ایرانبان کرد](#)

هرگونه استفاده از محتوای این نوشتار بدون ارجاع به نام نویسنده و مقاله، برابر با سرقت علمی و خیانت ادبی است. همهٔ حقوق این اثر متعلق به نویسنده و کارگروه پژوهشی می‌باشد.

اسماعیل شمس و سرپوش گذاشتن بر نقش کردها در نسل‌کشی ارمنیان

چندی پیش کارگروه ایرانبان کرد در سالروز نسل‌کشی ارمنه کاریکاتوری را در کانال تلگرامی خود به اشتراک گذاشت که واکنش‌هایی را برانگیخت. در این تمثیل، مردی ترک از امپراتوری عثمانی با شمشیر کردها یک بانوی ارمنی را می‌کشد (تصویر روی جلد). آقای اسماعیل شمس، مدیر بخش کردی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در کانال خود (کردستان‌نامه) نکاتی را مطرح کرده است که در ادامه به ادعاهای او پاسخ می‌دهیم.

۱. فقط برخی اعضای سپاه حمیدیه کرد بودند!

آقای اسماعیل شمس با این ادعا که تنها برخی از اعضای حمیدیه کرد بودند، سعی دارند هویت کردی حمیدیه را انکار نموده و چنین القا کند که کردهای حمیدیه اقلیتی گول خورده بودند و لذا عشایر کرد عثمانی هیچ مسئولیتی در قبال آن‌ها نداشتند. در اینجا اندکی در وصف حمیدیه از زبان کردشناسان و تاریخ‌نگاران می‌خوانیم:

«در طی سده نوزدهم روابط ارمنی‌ها و کردها به علت جنگ‌های روسیه و عثمانی تیره شد و ستم و فشار کردها بر ارمنی‌ها افزایش یافت. تشکیل و تجهیز واحدهای حمیدیه از قبایل کرد به آن‌ها جواز غارت و سرقت اموال و حتی کشتن ارمنی‌ها را می‌داد و بسیاری از ارمنی‌ها در قتل‌عام‌ها کشته شدند و کردها جایشان را گرفتند.»^۱

«در سال ۱۸۹۱م برای ایجاد نظم در ایالات شرقی واحدهایی شبه‌نظامی زیر نظر و فرماندهی رؤسای قبایل تأسیس شد که به نام سلطان که موسسشان بود، حمیدیه خوانده شدند. نتیجه آشکار این اختیاراتی که به افسران این واحدها که رؤسای قبایل بودند داده شد، افزایش بی‌اندازه قدرتی بود که ناگزیر منتهی به اجحافات بی‌شماری می‌شد. نتیجه دیگر آن نیرومند شدن برخی قبایل و دگرگونی موازنه قدرت در منطقه بود.»^۲

۱. برویین سن، ۱۳۸۳: ۱۵۰.

۲. همان: ۲۶۴.

«حمیدیه به سبک و اسلوب قزاق‌ها سازمان یافته بود. افراد آن از قبایل چادرنشین و نیمه‌چادرنشین گرد و گاه قبیله‌ئی ترک تأمین شده و در هنگ‌های سوار که فرماندهی‌شان با رؤسای قبایل بود سازمان یافته بودند. بعضی از قبایل بزرگ یک یا دو هنگ را که هر یک مشتمل بر ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ سوار بود تأمین می‌کردند. واحدهای حمیدیه همیشه تحت‌السلطه نبودند. تنها مواقعی حقوق دریافت می‌کردند که در سر خدمت بودند. اما خانواده‌هایشان از بیشتر مالیات‌ها معاف بودند. تعداد این هنگ‌ها تا سال ۱۸۸۹م به شصت‌وسه هنگ رسید.»^۳

وقتی تعداد هر هنگ ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ سوار بود می‌توان به این نتیجه رسید که حمیدیه در اوج قدرت شامل شامل ۵۰ الی ۶۳ هزار سوار کرد می‌شده است که این تعداد دو برابر تعداد سواران رهبر بزرگ کردهای عثمانی در آن زمان یعنی شیخ عبیدالله نه‌ری بوده است که نشان شرکت عمومی و بارغت کردها در این سپاه دارد.

«دستگاه دولت توانایی جلوگیری از حمیدیه را نداشت زیرا حمیدیه فقط تابع ارتش چهارم ارزروم بود و فرمانده آن زکی‌پاشا برادرزن سلطان بود. کنسول نظامی بریتانیا می‌گوید: واحدهای حمیدیه در حقیقت تحت فرمان کسی جز فرمانده محلی خود نیستند. این‌ها خیلی عادی از دکان‌ها جنس می‌برند و پولش را هم نمی‌پردازند و مقامات کشوری در برابر ایشان ناتوانند.»^۴

همان‌گونه که در بالا دیدیم، قوای چریک حمیدیه، با اکثریت مطلق کردهای سنی‌مذهب، مسئولیت مبارزه با مسیحیان اعم از روس و ارمنی و آشوری را بر عهده داشتند، اما نه تابع دولت عثمانی، بلکه بسیار خودش و تابع رؤسای قبایل خود و مورد حمایت زکی‌پاشا و سلطان بودند.

آنها سود بسیاری هم می‌بردند و در جامعه تشخیص پیدا کرده و از مالیات معاف بودند و به انباشت ثروت حاصل از غارت و حقوق خوب می‌پرداختند.

۳. همان: ۲۶۵

۴. مک‌داول، ۱۳۸۳: ۱۲۹

۲. حمیدیه مخالفان خلافت اعم از کردها را سرکوب می‌کرده است!

مورد مطرح‌شدهٔ دیگر آن است که حمیدیه کردها را همراه دیگر مخالفان خلافت سرکوب می‌کرده است! بیشتر از آنکه ارمنی‌ها را سرکوب کند به کشتار کردها مشغول بوده! و رهبران ایشان که از جنایات غیر عمد خود منصرف می‌شدند توسط ترک‌ها به فجیع‌ترین شکل ممکن قتل عام می‌شدند.

بله این ادعا درست است که حمیدیه تشکیل شد تا مخالفان حکومت را سرکوب کند که عمدهٔ ایشان از ارمنیان بودند و بله کردهای علوی نیز از قربانیان حمیدیه بودند؛ اما اهداف و سیاست‌های تشکیل حمیدیه را در پی می‌خوانیم:

«اهداف مستقیم تأسیس حمیدیه عبارت بودند از سرکوب فعالیت‌های جدایی‌خواهانهٔ ارمنه که هنوز چندان زیاد نبود و نیز اعمال نظارت بیشتر بر خود کردها. سلطان با ایجاد این اشتغال واجد حقوق و تشخص و درواقع با اعطای پروانهٔ غارتگری امیدوار بود وفاداری کردان را به خود جلب کند. کردها نیز او را نیک‌خواه‌ترین سلطان در حق خود می‌دانستند و او را «باو کردان» می‌خواندند. حقوق بالا، کیفیت تجهیزات، سبب شد که دوتن از فرماندهان حمیدیه چنان قدرتی پیدا کنند که به تهدیدی برای خود حکومت تبدیل شوند.»^۵

وقتی سلطان لقب «باو کردان» می‌گیرد، یعنی تأسیس حمیدیه با استقبال عمومی کردها مواجه بوده است و این لزوماً به معنای اقلیتی که به زعم جناب شمس به آرمان همهٔ کردها خیانت کرده‌اند نیست.

«حمیدیه از میان قبایل منتخب سنی‌مذهب بسیج شدند و فرمانده‌شان رئیس قبیله بود. غرض و منظور آشکار از تشکیل حمیدیه ایجاد مانعی در مقابل روسیه بود. فرماندهان محلی فرق و تمایزی بین دشمنان قبیله‌ای خود و دشمنان حمیدیه قائل نمی‌شدند و با اسلحهٔ دولتی با قبایل مخالف خود تصفیه حساب می‌کردند. برای نمونه قبیلهٔ نیرومند و سنی‌مذهب جیران که

چهار هنگ به میدان آورده بود قبیله علوی مذهب خرمک حمله کرد و زمین‌هایشان را غصب نمود.^۶

«نخستین کس از این دو مصطفی پاشای میران بود. او با حمایت سلطان عثمانی برای خود یک کشور کوچک درست کرد که مأموران عثمانی در آنجا هیچ قدرتی نداشتند و او برای خود مالیات جمع می‌کرد و تفنگچی‌های او مناطق مختلف را غارت می‌کردند.»^۷

«ابراهیم پاشای میلان نفر دوم بود. شهرت او به غارتگری بود و او را شاه بی‌تاج و تخت کردستان می‌خواندند. او نیز مانند مصطفی پاشا به سلطان وفادار بود اما دستگاه اداری عثمانی را به قلمرو خود راه نمی‌داد. ابراهیم پاشا در ۱۹۰۸ م به هواداری از سلطان عبدالحمید علیه ترکان جوان که سلطان را برکنار کرده بود شورید اما شکست خورد و مرد.»^۸

همان‌طور که می‌بینیم، کسانی که به‌زعم جناب شمس از اعمال خود پشیمان شدند و توسط ترک‌ها قتل‌عام شدند، افرادی بودند که به‌واسطه فرماندهی بر حمیدیه، جمعیت ارمنی و آشوری را از سرزمین تاریخی و اجدادی این مردم محو و نابود کردند و با اشغال و کردی نمودن آن نخستین گام را برای ایجاد کشور مستقل برداشتند.

این افراد قلمرو خود را مستقل اداره می‌کردند و هیچ‌گونه تابعیتی از دولتمردان ترک نداشتند. هرکدام لقب شاه کردستان گرفته و درواقع قتل‌ایشان نه از بابت پشیمانی، بلکه از بابت تهدید حکومت بوده است و طبیعتاً حکومت هر خائنی را مجازات می‌کند اما این هیچ ربطی به پشیمانی ندارد. در واقع ایده کردستان مستقل با نابودی جمعیت غیرکرد به حقیقت نزدیک شد.

«علوی‌ها مدت‌ها در معرض فشار اهل تسنن بودند. بیشتر کردهای علوی، زازا زبان هستند اما علوی‌های کردزبان (کرمانج زبان) هم وجود دارند ولی اکثر علوی‌ها را ترک‌ها تشکیل

۶ مک‌داول، ۱۳۸۳: ۱۲۸

۷ برویین سن، ۱۳۸۳: ۲۶۷

۸ همان، ۲۶۸-۹

می‌دهند، نه کردها.» «یزیدی‌ها هم به زبان کرمانجی صحبت می‌کنند. آنان همیشه در معرض تعذیب و آزار همسایگان مسلمان خود بودند و از همین جهت بسیاری از آنان زادبوم خود را ترک کرده‌اند و بسیاری هم مسلمان و مسیحی شده‌اند.»^۹

«عبدالحمید اقدام به بسیج یک نیروی شبه‌نظامی از ایل مردان کرد نمود و حملات آنان به ارمنیان را مجاز شمرد. آنان با سوگند آشکار به اینکه وظیفه رسمی‌شان سرکوبی ارمنی‌ها است و اینکه در برابر هر ستمی که بر مسیحیان روا می‌دارند، از مصونیت قانونی برخوردارند، وحشت آفریدند. اجحاف رؤسای قبایل کرد به صورت سازمان‌یافته خارج از طریق ارباب درآمد بود، که توسط ارمنیان برای حفاظتشان پرداخت می‌شد و همچنین ارمنی‌ها باید به دولت هم مالیات می‌دادند. هنگامی که اهالی ساسون واقع در جنوب موش، این خراج را نپرداختند، سربازان ترک و ایل مردان کرد به قتل‌عام ارمنیان پرداختند. به‌زودی این عمل به تمام روستاهای ارمنی رسید و آنان مردان را با نیزه می‌کشتند و به زنان تجاوز می‌کردند و کودکان را با کوفتن به صخره‌ها می‌کشتند و روستاها را به آتش می‌کشیدند.»^{۱۰}

با مشاهده موارد بالا چند نکته را می‌توان در نظر گرفت. اولاً بنیان ناسیونالیسم کرد بر روی فقه شافعی و طریقت نقش‌بندی بود و لذا ناسیونالیسم کرد در هسته خود چندان تعارضی با اهداف تشکیل حمیدیه یعنی دشمنی با مسیحیان و علویان ندارد. همچنین همان‌گونه که خواندیم، بخش اعظم علوی‌هایی که مورد هجوم کردهای سنی مذهب حمیدیه قرار می‌گرفتند، نه کرد، بلکه ترک بودند.

درواقع سرکوب مخالفان خلافت چندان تعارضی با منافع ناسیونالیسم کرد نداشت و پاک‌سازی مخالفان خلافت تقریباً همان پاک‌سازی مخالفان ناسیونالیسم کرد بود!!! همان‌طور که اولین رهبر ناسیونالیسم کرد یعنی شیخ عبیدالله نه‌ری که به دنبال ایجاد کشور کردستان افتاد هیچ تعارضی میان خود و خلیفه عثمانی نمی‌دید.

۳. ناسیونالیست‌های کرد همیشه از مطالبات ارمنی‌ها حمایت می‌کردند!

بزرگترین رهبران ناسیونالیسم کرد تا این زمان، بدرخان بیگ و شیخ عبیدالله نه‌ری بودند که هردو دشمن مسیحیان ارمنی و آشوری بودند و دست به کشتار ایشان گشودند. دقیقاً کدام ناسیونالیست‌های کرد «همیشه» از مطالبات ارمنی‌ها حمایت می‌کردند؟! بله در زمانی که جنگ جهانی اول رو به پایان بود و وعده کشور ارمنستان و همچنین کردستان خودمختار از طرف ویلسون آمریکایی مطرح شد، ناسیونالیست‌های کرد که در اقلیت بودند، درصدد اتحاد با ارمنی‌ها برآمدند که آن هم بیشتر در حد حرف و متن روی کاغذ بود نه عمل؛ چون ناسیونالیست‌های کرد چندان قدرتی در بین مردم کرد نداشتند.

ایرل گرانویل در تلگراف خود به مستر گوشن می‌گوید: «دیگر هیچ شکی وجود ندارد که به‌علت طفره رفتن حکومت، یک تشکل کردی با هدف سرکوب ارمنی‌ها در حال نضج گرفتن است. بی‌گمان این مسئله میوه سیاست‌های عثمانی است. شیخ عبیدالله هسته این تشکل و بحری بیگ تئوریسین آن است. بحری بیگ به‌نزد سران عشایر رفته و با وعده و ارباب و تهدید، آن‌ها را وارد صفوف نیروهای متحد گرد به‌رهبری شیخ عبیدالله می‌نماید. این تشکل کردی برای تأسیس یک ایالت واحد در ترکیه تلاش می‌کند ارمنی‌ها را از حکاری بیرون براند. بحری بیگ حتی سران عشایر کرد ایران را هم به اتحاد به شیخ دعوت می‌کند. این تشکل در حال حاضر ۴۰۰۰ قبضه تفنگ مارتینی در اختیار دارد که ۲۰۰ قبضه آن ایرانی است.»^{۱۱}

در تلگراف کنسول کرایتون به میجر تروتر هم می‌خوانیم که: «توسون پاشای فرماندار به من گفت، چندی پیش افسری را به نزد شیخ فرستادم. شیخ به او گفته است: سخنان عجیبی به گوشم خورده است. گویا ارمنی‌ها می‌خواهند سرزمینی خودمختار در وان تأسیس کنند و نستوری‌ها نیز در تلاشند با برافراشتن پرچم انگلستان، طوق بندگی آن‌ها را بر گردن اندازند. هرگز اجازه این کار را نخواهم داد و اگر لازم شود زنان را نیز مسلح خواهیم کرد. شیخ همزمان پیکی نزد مارشمعون نستوری‌ها فرستاده و از نامبرده خواسته است که در نبرد علیه ترک‌ها با

وی متحد شود و همین تقاضا را نیز از رهبر ارمنی‌ها نموده و متعهد شده است که از آن‌ها دفاع می‌کند.^{۱۲}

بله این شیخ عبیدالله نه‌ری رهبر بزرگ ناسیونالیسم کرد است که این اقدامات را انجام داده است. اما چرا؟ او در عین حال هم برای جلب اعتماد سلطان ارمنی‌کشی می‌کند و هم دست به پاک‌سازی ارمنی‌ها برای جایگزینی کردها در زمین‌های ایشان می‌زند!!!

۴. کردها و ارمنی‌ها همیشه در صلح و صفا در کنار هم زندگی می‌کردند!

این ادعا یکی از مدعیات کهنه و نخ‌نمای جماعت پانکرد برای لاپوشانی جنایات فجیع کردها در عثمانی و سیل کردن حکومت عثمانی است که می‌گویند تا پیش از فتنه‌انگیزی ترک‌های عثمانی، رابطهٔ دوستانه‌ئی میان کردها و ارمنی‌ها وجود داشت و آن‌ها در صلح و صفا در کنار هم زندگی می‌کردند و در برابر سلطان ترک با هم متحد بودند! صرف‌نظر از اینکه بخش بزرگ ارمنستان غربی پس از تصرف آن توسط عثمانیان به چنگ امارت‌ها و عشایر کرد افتاد و آن‌ها به‌واسطهٔ خدمت خود به سلطان عثمانی، مالک روستاهای ارمنی‌نشین شدند، در ادامه می‌خوانیم منظور آقای شمس و سایر پانکردها از زندگی با صلح و صفای کردها و ارمنی‌ها چیست!!! «جماعات مسیحی و یهود همیشه در میان کردان بوده‌اند و کارهای تخصصی را اغلب همین مردم انجام می‌دادند. این مردم از لحاظ سیاسی و اقتصادی وضع و موضعی فرودست داشتند. بسیاری از رؤسای قبایل کرد، دهقانان و صنعتگران مسیحی روستاها را اموال شخصی خود می‌دانستند. حمایتی که بریتانیا و روسیه به این گروه‌های مسیحی عرضه می‌داشتند، دستاویزی شد برای شماری از کشتارهای خونین از این مردم.»^{۱۳}

لازم به ذکر است که عمده‌علت رشد خصومت کردها با ارمنی‌ها دقیقاً ایدهٔ ارمنستان مستقل بود چون آن وقت زمین‌ها و روستاهایی که عشایر کرد غصب کرده بودند مستقل می‌شدند و عشایر کرد توان بهره‌کشی و دوشیدن روستاییان ارمنی را از دست می‌دادند.

۱۲. همان: ۹

۱۳. برویین سن، ۱۳۸۳: ۴۰

«گروه‌های مسیحی سابقاً وضعی حقیر داشتند و با آن‌ها چون رعایای وابسته به زمین اروپای فئودال رفتار می‌شد. ارباب آن‌ها را جزو اموال شخصی خود همچون گاو و گوسفند و قاطر می‌دانستند. در منطقهٔ بوتان کشاورزان مسیحی را زرخريد (زیرکری) می‌نامیدند و آنان را با زمین خرید و فروش می‌کردند.»^{۱۴}

«زمستان‌های فلات ارمنستان فوق‌العاده سردند و خانه‌های ارمنی‌ها تا نیمه زیر زمین بودند. کردها چنین قرارگاه‌های زمستانی نداشتند و چادرنشین بودند. بنابراین زمستان را با ارمنی‌ها و در خانه‌های آن‌ها زندگی می‌کردند و گله‌هایشان را در طولیله‌های آنان جای می‌دادند و ارمنی‌ها علوفهٔ آن‌ها را تأمین می‌کردند و همان‌قدر که خود مناسب می‌دانستند، در عوض به ارمنی‌ها فراورده‌های حیوانی می‌دادند. در طی سدهٔ نوزدهم روابط ارمنی‌ها و کردها به علت جنگ‌های روسیه و عثمانی تیره شد و ستم و فشار کردها بر ارمنی‌ها افزایش یافت.»^{۱۵}

«قبایل کرد طی ماه‌های زمستان همیشه خود را بر روستاها تحمیل می‌کردند. این عمل که به‌ویژه نزد ارمنیان بسیار بی‌وجه بود، خود یکی از حقایق پذیرفتهٔ زندگی بود. یک سیاح به‌نام اینزورث در سال ۱۸۳۸ نقل می‌کند که بسیاری از ارمنیان از این ستم و فشار گریختند و به بخش ارمنستان تحت اشغال روسیه مهاجرت کردند.» «چندی که گذشت رؤسای کرد و ملازمانشان دست به عمل دیگری می‌زدند و آن ربودن دختران ارمنی و کشتن کسانی بود که مانعشان می‌شدند.»^{۱۶}

در گزارش سفیر بریتانیا از وان می‌خوانیم: «در اوایل ماه گذشته ساکنان روستای باخ کالی به‌دلیل مزاحمت کردها از محل سکونت خود گریخته و به وان آمده‌اند. کردها تحت فرمان علی‌خان بودند. در ۱۸ می نیز تعداد دیگری از ساکنان این مناطق به وان آمده و در اظهارات خود به یورش مجدد علی‌خان اشاره کرده‌اند. همچنین پیکی از ارجیش و الجیفاس به وان آمده

۱۴. همان: ۸۹

۱۵. همان: ۱۵۰

۱۶. مک داول، ۱۳۸۳: ۱۱۳

و از بدرفتاری کردها با ساکنان این نواحی گفته است. پیک نامبرده اظهار نموده است ساکنان این دو منطقه اگرچه گندم زیادی برداشت کرده‌اند، اما به علت ناامنی راه‌ها نتوانسته‌اند آن‌ها را به آسیاب ببرند، در نتیجه در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برند. پیک مزبور همچنین گفته است که کردها احشام خود را در مزارع گندم و جو می‌چرانند و با این وضعیت امکان تخریب زمین‌های کشاورزی و بروز قحطی در سال آینده بسیار بالاست. همچنین نامه‌ئی از ساکنان ترک و ارمنی به وان رسید که در آن از حکومت درخواست یاری شده بود. «همچنین کنسول بریتانیا در ارزروم هم نقل می‌کند که «کردها در طول سه ماه اخیر، نزدیک به بیست روستا را در مناطق ارمنی‌نشین مورد تهاجم قرار داده‌اند که سومین موج حمله در تاریخ ۲۰ ژوئن بوده است»^{۱۷}

«حمیدیه نقشی رسوا در کشتار ارمنیان داشت، به‌ویژه در کشتار شورش ساسون که در اعتراض به دوبار مالیات دادن بود. حکومت مستقیماً از ارمنی‌ها مالیات می‌گرفت و ایشان مؤظف بودند به کردها هم مالیات بدهند. حمیدیه برای سرکوب شورش اعزام شد. سپس تمام روستاهای ارمنی‌نشین آناتولی مورد حمله حمیدیه قرار گرفتند. ده‌ها هزار ارمنی کشته شدند و اموالشان غارت شد. با این حال حکومت در سال ۱۸۹۴ برخی اموال غارت‌شده ارمنی‌ها را از کردها پس گرفت و تحویل ایشان داد.»^{۱۸}

در مورد اخیر هم می‌بینیم که کردها از ارمنی‌ها مالیات مضاعت می‌گرفتند و ایشان را غارت هم می‌کردند و درواقع آغاز کشتار ارمنیان یعنی واقعه ساسون با شورش ارمنی‌ها علیه کردها آغاز شد و حمیدیه همراه با ارتش به سرکوب پرداختند و با این حال دولت عثمانی اموال غارت‌شده ارمنیان را از کردها گرفت و به ایشان مسترد داشت.

پیر آمدی امیلین پروب ژوبر نماینده ناپلئون که در دهه اول سده نوزدهم به ایران آمد در عثمانی در خصوص اعمال عشایر می‌گوید: «به‌زودی جمعی از ارامنه را دیدیم که گرفتار عده‌ئی

۱۷. میرزاغزیز، ۱۳۷۹: ۵

۱۸. بروین‌سن، ۱۳۸۳: ۲۷۰

از اکراد شده، مالشان را تاراج و دو نفرشان را مقتول ساخته بودند.^{۱۹} «بدبختانه این دره در معرض حملات اکراد است. عده‌ای از دهقانان بیهوده در آن کشت می‌کنند. چه اغلب قبل از آنکه خوشه در مقابل نور آفتاب قرار بگیرد، حاصل را برده‌اند و زارع مجبور است مزرعه را ترک گفته و زن و بچه و گله خود را از ترس دزدان برداشته و فرار کند.»^{۲۰} این گفته ژوبر نشانگر روند خالی شدن روستاهای ارمنی توسط کردها است. ژوبر در خصوص کردها می‌گوید: «تمایل ایشان به دزدی بسیار است. در زمستان به کلبه همان دهقانی پناهنده می‌شوند که در تابستان محصولشان را ربوده‌اند.»^{۲۱}

در مناطق دورافتاده آناتولی که قدرت ترک‌ها موثر نبود، ارمنی‌ها در معرض اعدام‌های بی‌رحمانه به‌دست رؤسای قبال کرد و غارت توسط ایل‌مردان کرد قرار داشتند.^{۲۲} فائزالحسین کارمند عرب دولت عثمانی که شاهد نسل‌کشی ارمنیان بود در خاطرات خود می‌گوید: «همچنین این زنان بدبخت با خشونت هرچه تمام‌تر به‌دست کردهای وحشی سپرده می‌شدند و زندگی و ناموسشان بازیچه جلالان خونخوار می‌گردید.»^{۲۳}

«در آنجا چشمم به منظره وحشتناکی افتاد که از مشاهده آن قلبم زیر و رو شد. جسد زنی نیمه‌عریان و به پشت افتاده دیدم که اثر چهار گلوله بر روی سینه‌اش مشاهده می‌شد. در کنار او جسد پسر بچه‌ای که حدوداً هشت سال داشت، جمجه‌اش با تبر شکافته شده و رو به زمین افتاده بود. به‌سوی عارف افندی رفتم که سه نوجوان را دیدیم که از ترس کردها که پس از آزار و شکنجه بسیار لباس‌هایشان را از تنشان درآورده بودند، در میان آب چشمه پنهان شده بودند تا از انظار مخفی بمانند. کمی دورتر مادرشان از درد و بی‌حالی به گوشه‌ئی افتاده بود و ناله می‌کرد. او به ما گفت که اهل ارزروم است و به‌همراه بسیاری از ارمنیان آنجا به این سو آورده

۱۹. ژوبر، ۱۳۳۲: ۱۳

۲۰. همان: ۱۶

۲۱. همان: ۱۹

۲۲. بالفور ۱۳۷۳: ۵۷۹

۲۳. فائزالحسین، بی‌تا: ۱۲

شده و در بین راه خوشگل‌ترین زنان را به اکراد وحشی سپرده بودند و باقی‌مانده از طرف زنان و مردان کرد مورد حمله قرار گرفته و تمام دار و ندارشان را از دست داده‌اند و سپس به راه ادامه دادند و چون این زن بیمار بود او را با سه فرزندش همین‌جا رها کردند ولی در اینجا نیز چند زن و مرد کرد به ایشان دستبرد زده‌اند و لباسشان را با خود برده و ایشان را لخت و عور رها کرده‌اند.^{۲۴}

«ژاندارم‌ها پس از غارت کردن اموال ارزشمند قربانیان، آنان را هزار هزار به شرط زنده نگذاشتن به کردها می‌فروختند، یک کاوران به قیمت ۲۰۰۰ و کاروان دیگر به ۷۰۰ و کاروانی دیگر ۳۰۰ سکه به اکراد فروخته شدند. وقتی کردها کاروان‌ها را می‌خریدند تا آخرین تکه تن‌پوش زنان و مردان ارمنی را می‌آوردند و آنان را کاملاً برهنه می‌کردند، سپس با شلیک گلوله یکایک آنان را می‌کشتند و از این جنایت شعف و سرور هم ابراز می‌کردند. سپس شکم این تیره‌بختان را می‌شکافتند و تا شاید سکه طلایی که احتمالاً بلعیده بودند را از میان روده‌هایشان به چنگ آورند. به همین قصد لباس‌ها و کفش‌ها و حتی نقاط حساس بدن زنان را تفتیش می‌کردند.»^{۲۵}

«یکی از اکراد برای من تعریف کرد که حکومت خارپوت ۵۰ هزار نفر از ارمنیان تبعید شده از شهرهای ارزروم، ترابوزان و قسطنطنیه را در اختیار یکی از خوانین کرد قرار داد مشروط بر اینکه همه آن‌ها را به قتل رسانده و اموالشان را بالمناصفه میان خود تقسیم کنند. او تمام زنان را سوار گاری کرد و به بیابان‌های اطراف الرها برده و هلاک کرد و تمام زیورآلات ایشان را به یغما برد. ژاندارم‌ها و اکراد تعداد زیادی از زنان جوان و دختران ارمنی را مورد تجاوز قرار دادند و مقاومت‌کنندگان را به رگبار بستند.»^{۲۶} مواردی که فائزالحسین یاد کرده است عموماً نه توسط حمیدیه بلکه توسط مردم عادی کرد انجام شده است.

۲۴. همان: ۱۳

۲۵. همان: ۳۵

۲۶. همان: ۳۶

۵. این ارمنی‌ها بودند که به انتقام از کردها ایشان را کشتار و سرکوب کرده‌اند.

با وجود حمایت کردها از ارمنی‌ها، این ارمنی‌ها بودند که به انتقام از کردها ایشان را کشتار و سرکوب کرده‌اند! و در پایان مدعیات ارمنی‌ها در خصوص نقش کردها در این کشتار را دروغ می‌پندارد! جناب شمس گلایه دارند که چرا ارمنی‌ها در هنگام جمهوری اول ارمنستان و جنگ ترکیه و ارمنستان کردستیزی کرده‌اند. خب طبیعی است؛ انتظار دارید سه سده ستم و یک قرن پاک‌سازی قومی به اشکال مختلف و در پایان همکاری در یک نسل‌کشی را نادیده بگیرند؟

کردها ارمنی‌ها را اخراج کرده و اراضی ایشان را متصرف شدند و زمانی که ارمنی‌ها با قدرت بازگشتند، کردها را در خانه خود دیدند. باید چه می‌کردند؟ آن هم وقتی که کردها در جنگ ترکیه و ارمنستان در کنار ترک‌ها علیه ایشان می‌جنگیدند. یادتان نرود که همین کردهای سوریه، پس از شکست دادن داعش و تصرف تمام سرزمین‌های شرق فرات در سوریه، به چه وضع دست به پاک‌سازی اعراب سوری زدند و ایشان را از سرزمین‌هایشان اخراج کردند. اگر شما پاک‌سازی اعراب توسط کردها در سوریه را نتیجه جمهوری عربی سوری بدانید، پس می‌توانید کردستیزی ارمنی‌ها در آن مقطع را هم نتیجه سال‌ها پاک‌سازی قومی ارمنی‌ها توسط عشایر کرد بدانید! جالب است در فرقه پانکریسم جای ستمگر و ستم‌دیده بازگونه می‌شود! از اینها گذشته به‌راستی چه کسی از نسل‌کشی ارمنیان و آشوریان سود برد؟!

گزارش‌ها را می‌خوانیم: «شهرهای کردستان بزرگ شده‌اند. درحالی که سابقاً جمعیت این شهرها عمده غیرکرد بودند، کردها اینک در همه‌جا از سایر گروه‌های قومی بیشترند.»^{۲۷} «سابقاً جمعیت ساکن وان را به‌طور عمده ارمنیان، کلدانیان و نستوریان تشکیل می‌دادند، که بیشتر آن‌ها کشته یا تبعید شدند و ساکنان فعلی آن گروه‌های کوچک و عشیره‌ای کرد هستند.»^{۲۸}

«در تمام کردستان ارمنی‌ها و مسیحیان آرامی‌زبان زندگی می‌کردند و این‌ها را معمولاً بازماندگان ساکنان اولیه و اصلی این سرزمین عنوان کرده‌اند که بعدها مقهور قبایل ترک و کرد

۲۷. برویین سن، ۱۳۸۳: ۳۵

۲۸. همان: ۷۲

شده‌اند. این مردم کشاورز و صنعتگر بودند و از حیث زبان و مذهب و صنعت با کردها متمایزند، اما از حیث سیما و قیافه فرق نمایانی با کردها ندارند. این شباهت ممکن است بعضاً به علت عملی باشد که در میان قبایل کرد شایع است و آن ربودن زنان و دختران مسیحی از خانه‌های والدین آن‌ها است. اما شمار مسیحیانی که کرد شده‌اند بیش از آن است که بتوان به این وقایع استناد کرد. مولینوسیل شمار زیادی ارمنی را در درسیم دید که کرد علوی مذهب شده بودند و من خود در ۱۹۷۶ در کردستان ترکیه جماعتی ارمنی را در سیرت دیدم که اخیراً این مرز قومی را پشت سر گذاشته بودند و مسلمان شده و به کردی و ترکی سخن می‌گفتند و تعدادی از جوانان ایشان در میان ملی‌گرایان کرد فعال بودند.» «سابقاً جمعیت ساکن وان را به طور عمده ارمنیان، کلدانیان و نستوریان تشکیل می‌دادند، که بیشتر آن‌ها کشته یا تبعید شدند و ساکنان فعلی آن گروه‌های کوچک و عشیره‌ئی کرد هستند.»^{۳۹}

بله همان‌طور که بر ما روشن و مبرهن است، کردها و ترک‌ها ارمنی‌ها را نسل‌کشی کردند و امروز در آناتولی شرقی اکثریت با چه کسانی است؟ کردها، سرزمینی که زمانی ارمنستان غربی خوانده می‌شد حالا باشور کوردستان خوانده می‌شود و خاک کشور خیالی کردستان تصور می‌شود!

باید از رئیس بخش کردی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و از کاشفان اصطلاح آشوری‌های کرد!!! پرسید بر چه اساس هنگامی که خود کردهای ترکیه و عراق نقش خود در نسل‌کشی ارمنه و آشوری را پذیرفته و پوزش خواسته‌اند ایشان به‌عنوان یک شهروند ایرانی که مسئولیتی در برابر جنایت‌های اتباع کشور دیگر ندارند وارد معرکه می‌شوند و حقایق تاریخی را کتمان می‌کنند؟!



۱. برویین‌سن، مارتین وان. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی مردم کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانیز.
۲. ژوبر، پیر آمدی امیلین پروب. (۱۳۲۲). مسافرت به ارمنستان و ایران. ترجمه محمود هدایت. شرکت چاپخانه تابان.
۳. پاتریک، جان ؛ بالفور، داگلاس. (۱۳۷۳). قرون عثمانی. ترجمه پروانه ستاری. تهران: انتشارات کهکشان.
۴. فائز الحسین ؛ نعیم بیگ. (بی‌تا). مجموعه خاطرات فائزالحسین عرب و نعیم بیگ ترک، ترجمه ساهاکیان. بی‌جا.
۵. مک‌داول، دیوید. (۱۳۸۳). تاریخ معاصر کرد. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: نشر پانیز.
۶. میرزاعزیز، جمال. (۱۳۷۹). قیام ۱۸۸۰ کردها در اسناد محرمانه بریتانیا. ترجمه بهزاد خوشحالی. همدان: انتشارات نور علم.

در کانال ایران‌بان کرد بخوانید:

- [پیشینه حضور کردها در کردستان ترکیه](#)
- [واشکافی نقش کردها در نسل‌کشی ارمنه](#)
- [قدرت گرفتن ترکان جوان و نقش کردها در نسل‌کشی ارمنه](#)
- [اسناد و گزارش‌هایی از همراهی کردان عثمانی در تازش به اقوام غیرترک و غیرکرد](#)